

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod: 2020S4D14SH9M ISSN-P: 2538-3701

ماهیت جرم زدایی و گستره آن در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۹/۰۵/۱۲)

امیر بارانی بیرانوند

دانش آموخته کارشناسی ارشد فقه و حقوق خصوصی دانشگاه شهید مطهری (ره)

چکیده

افزایش عناوین مجرمانه یکی از آسیب ها و مشکلات نظام عدالت کیفری است. امروز غالب علمای حقوق کیفری بر این باورند که صرفاً جرم انگاری افعال، اعمال و تعیین مجازاتهای سنگین از قبیل اعدام، حبس و... تاثیر بسزایی در جلوگیری از ارتکاب جرم ندارند و مضافاً اینکه تبعات سنگینی نیز از قبیل بروز تورم کیفری و فاصله گرفتن از غایت و فلسفه مجازات که همان بازگشت مجرم به جامعه است را در پی دارد. از سویی با صنعتی شدن جوامع و گسترش روز افزون جرایم، زنگ خطر برای دستگاه های سنتی قضایی به صدا در آمده است. با توجه به اهمیت و نقش نیروهای مسلح در مقوله ی برقراری امنیت و اینکه قانونگذار در حوزه تأسیس و اعمال مقررات شکلی و ماهوی با تعیین مجازاتهای شدید، کیفیات مشدده، ایجاد تشکیلات مستقل و اختصاصی قصد در تسریع رسیدگی و همچنین بازدارندگی را داشته و با عنایت به اجباری بودن خدمت وظیفه عمومی و اینکه بخش از افراد جامعه مبتلا به قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح می باشند، لذا اعمال مجازات های سنگین برای اعضای نیروهای مسلح منجر به تقویت حس انتقام جویی و سرخوردگی مجرم از سازمان متبوع می گردد که خطر خروج و نشت اطلاعات طبقه بندی شده، شکست های حفاظتی و غیره را تقویت می کند.

واژگان کلیدی: جرم زدایی، قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، نیروی انتظامی



مقدمه

یکی از مولفه‌های اقتدار هر کشوری، قدرت نظامی می‌باشد به طوری که این مهم در کنار مولفه‌های دیگر از قبیل اقتصاد، جغرافیای سیاسی و... جزء ارکان تشکیل دهنده اقتدار عمومی و بین‌المللی می‌باشند. ملاک و میزان اقتدار هر کشوری با سنجش دو زیر مولفه تجهیزات نظامی و منابع انسانی محاسبه می‌گردد. به طوری که این دو لازم و ملزوم یکدیگر خواهند بود، با توجه به اینکه رویکرد اصلی این مقاله، قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح می‌باشد، لذا ارتباط تنگاتنگ و اجتناب ناپذیری با حوزه منابع نیروی انسانی دارد پرواضح است که فلسفه تعیین و جرم انگاری افعال و اعمال انسانی، پیشگیری از ارتکاب جرم، مجازات خاطیان و عبرت آموزی دیگران می‌باشد که در نهایت به هدف و غایت اصلی مجازات که همان اصلاح رفتار منتج خواهد شد. جرم‌زدایی یکی از مصادیق خط مشی محدود سازی یا عدم مداخله حقوق کیفری محسوب می‌شود. این اصطلاح در دانش نامه جرم‌شناسی، به «زدودن برچسب، عنوان یا وصف مجرمانه از یک عمل یا از یک رفتار» (نجفی ابرند آبادی: ۱۳۹۰، ۹۰) و در گزارش کمیته‌ی اروپایی ویژه‌ی مسائل جنایی، به «فرایندهایی که به موجب آن صلاحیت نظام کیفری برای اعمال ضمانت اجرا نسبت به شکل خاصی از رفتار سلب می‌شود»، تعریف شده است. (گروهی از نویسندگان شورای اروپا: ۱۳۸۴، ۱۰) جرم زدایی، به دو صورت «رسمی» و «عملی» تحقق می‌یابد و گفته می‌شود که جرم زدایی عملی ممکن است که زمینه‌ی جرم‌زدایی رسمی را در آینده فراهم کند. حالت اول به یک فرایند تقنینی رسمی از ناحیه‌ی مرجع قانون گذاری و حالت دوم به کاهش فعالی اتهامی نظام عدالت کیفری در قبال برخی جرایم (مانند جرایم بدون بزه‌دیده، جرایم ناشی از اعتقادات سنتی که تاب مقاومت در برابر تفکرات مدرن را ندارند، جرایم اقتصادی خفیف و جرایم ناشی از نقض مقررات رانندگی) اشاره کرد. جرم زدایی، مخالفانی هم دارد که بازگشت به انتقام خصوصی، کاهش احترام به قوانین کشور، افزایش آمار نقض قوانین و آسیب رسانی به آموزش اخلاقی و اعتقادات مذهبی را به عنوان دلایل مخالفت خود ابراز می‌کنند و معتقدند که نفس وجود



قوانین (هرچند بدون اجرا بمانند)، می‌تواند در کنار تأثیر اخلاقی، به منزله‌ی مُهر تأیید رسمی حکومت در امر پیشگیری از جرم باشد. اما باید توجه داشت که دوام قوانین به عنوان ستون ساختمان جامعه، وقتی ممکن و محقق می‌شود که این قوانین با نیازها و امیال جامعه در وفاق باشند، لذا قانون‌گذار مکلف است که در هر برهه‌ی زمانی، انتظارات جامعه را بیابد و بر اساس آن‌ها قانون کیفری وضع کند یا از عناوین کیفری پیشین به تناسب نیازهای زمان حال، سلب عنوان مجرمانه نماید. این تغییرپذیری قوانین با توجه به مقتضیات زمان و مکان را می‌توان موجد (یا معادل) مفهوم شناخته شده‌ی نسبی بودن بسیاری از جرایم دانست. (اسماعیل تبار و علیپور: ۱۳۹۳، ۱۲۹) ریشه‌های اولیه‌ی جرم‌زدایی به صورت یک بحث «اساسی» در ایران را باید در سال ۱۳۸۰ جستجو کرد. در این برهه، رئیس قوه قضاییه به دلایلی مانند بالا بودن نرخ جمعیت کیفری، تراکم کار در دادگستری و در نتیجه پایین آمدن کیفیت رسیدگی و به طور کلی بحران وضعیت و معضل قوه قضاییه، بازنگری قوانین جزایی را به منظور جرم‌زدایی توصیه کرد و در جلسه مورخ ۸۲/۰۱/۳۰ مسؤلان عالی قضایی نیز با اشاره به موضوعات یاد شده و اعلام اینکه بسیاری از عناوینی که جرم‌انگاری شده‌اند، تخلفاتی هستند که باید در هیئت‌ها و کمیته‌های انضباطی و حل اختلافات سازمان‌ها و وزارت‌خانه‌ها حل و فصل شود، از این‌رو رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح را موظف نمودند تا هر چه سریع‌تر تحلیلی از جرایم در قوانین فعلی را به منظور جرم‌زدایی از قوانین و تفکیک تخلفات از جرایم، تهیه و ارائه کند. گزارش اولیه‌ی کار در تاریخ ۸۲/۴/۳۱ از سوی معاونت حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح به ریاست قوه تقدیم شد. در این گزارش، ۱۰۵ عنوان از قوانین جزایی که برای آن‌ها مجازات تعیین شده است استخراج و پیشنهاد گردید که از دایره قوانین جزایی خارج شود. (بابایی، غلامی و هاشمی دمنه: ۱۳۹۳، صص ۹۲-۹۳) وجود ضوابط از پیش تعیین شده، اعمال پر قدرت رابطه‌ی آمریت (مافوق و مادون)، تغییر متناوب محل خدمت و آموزشهای طولی، عرضی و ضمن خدمت، حفظ بالندگی، نشاط و ورزیدگی اعضای نیروهای مسلح منجر به این شده که هرچند نیروهای مسلح از حیث دریافت حقوق و مزایا مانند دیگر کارکنان دولت مشمول قانون خدمات کشوری بوده لیکن در عین حال تفاوت‌های آشکاری با هم دارند





بدین توضیح که فرماندهان، روساء و مدیران نظامی جهت اجرای نمودن دستورات و اوامر صادره در پاره‌ای از موارد از ضمانت اجراهای محکمی از قبیل بازداشت، خدمت شبانه روزی (ممنوع الخروجی) استفاده می‌نمایند در حالی که این موارد در پاسخ‌گویی به تخلفات دیگر کارکنان دولت سالبه به انتفاع موضوع است. لازم به توضیح است که موارد فوق صرفاً مربوط به تخلفات انضباطی نیروهای مسلح می‌باشد این در حالی است که در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ضمانت اجراهای بسیار سنگین‌تری از قبیل اعدام، حبس‌های بالای پانزده سال، منع اشتغال به خدمت (تبعید) و.. در نظر گرفته شده است که البته بخشی از این ضمانت اجراهای سنگین منبعث از نگاه عوام جامعه و بخشی دیگر نیز مقتضای ذات نیروهای مسلح می‌باشد، غافل از آنکه اساساً استفاده بیش از حد از مجازات‌های کیفری و اعمال سیاست جزایی سنگین و خشن نه تنها هیچ کمکی به مقوله‌ی پیشگیری از وقوع جرم نمی‌کند، بلکه در پاره‌ای از موارد آسیب‌های جدی به فرد، خانواده و جامعه وارد می‌سازد. این درحالی است که در جرایمی که منجر به اخراج فرد نظامی از خدمت می‌گردد علاوه بر تبعات اجتماعی (فردی-اجتماعی) آسیب‌های بسیار سنگین امنیتی هم برای مجموعه‌ی نیروهای مسلح نیز متصور است، که متأسفانه این مهم کمتر مورد امعان نظر قانونگذار واقع گردیده است. خروج اطلاعات طبقه بندی شده (فوق سری- سری- خیلی محرمانه-محرمانه) و افشاء اطلاعات، لطمات جبران ناپذیری در پی خواهد داشت. مضافاً اینکه از حیت مبانی جرم شناسی و جامعه شناسی جنایی، حس انتقام جویی نظامی، عدم اشتغال و بعضاً درآمد نامناسب در این شرایط نابسامان اقتصادی، فرضیه‌ی فوق (خروج اطلاعات) را تقویت و تایید می‌کند.

این مقاله در نظر دارد اولاً رویکرد قانون گذار را به سمت جرم زدایی و استفاده بیشتر از ضمانت اجراهای غیر کیفری و پاسخ‌های انضباطی را تبیین و تشریح کند و ثانیاً معایب و مزایای استفاده از سیاست تعدیل کیفری مشخص گردد زیرا تفاوت‌های فاحشی در مجازات نمودن (حبس-اخراج-تبعید) فرد نظامی و یک کارمند دولت می‌باشد. از طرفی قوانین جزایی نظامی نباید به گونه‌ای تفسیر گردد که منجر به افزایش صلاحیت دادگاه‌های نظامی در

رسیدگی به افعال گردد. با توجه به مطالب ذکر شده راقم سطور در پی این است که به شناخت ماهیت جرم زدایی، گستره و چگونگی اعمال آن در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح برسد.

بخش اول: تعریف جرم زدایی

مفهوم جرم زدایی و واژه جرم زدایی پیشینه‌ی طولانی ندارد، با وجود این در تاریخ حقوق جزا فرایندهای جرم زدایی در زمان‌های مختلف وجود داشته است؛ هر چند به شکل برنامه نبوده است. زیرا میزان رفتارهای انسانی مجازات شدنی، نه دارای ثبات بوده و نه افزایش و کاهش بی‌وقفه داشته است. (گروهی از نویسندگان شورای اروپا: ۱۳۸۶، ۶۱) در عصر حاضر مسأله جرم زدایی از آغاز سالهای ۱۹۶۰ میلادی به صورت بحث روز درآمده این مسأله ابتدا با هدف تورم زدایی کیفری مطرح شده است. (وایت، هینس: ۱۳۸۱، ۳۲۰) جرم زدایی نقش قاطعی در پویایی نظام عدالت کیفری دارند. اهمیت نقش جرم زدایی در سبک کردن بار قوانین کیفری و تراکم زدایی از حجم پرونده‌های کیفری و کم کردن جمعیت کنونی باعث شکل گیری چنین رویکردی از همان آغاز تاریخ حقوق کیفری بوده است. هرچند در قرون شانزدهم و هفدهم چنین سازوکاری در اندیشه‌های حقوقدانانی همچون بکاریا روند به رو رشدی گرفت، اما در دهه‌های نخستین قرن نوزدهم با نگاهی منسجم و نظامند - بخصوص در انگلستان - به آن نگریسته شد. آمار رو به رشد جرایم در عرصه‌های مختلف اعم از اقتصادی، راهنمایی و رانندگی، زیست محیطی و در نتیجه ورود رو به رشد مجرمین به راهروهای دادگستری و زندانها و تحدید و تضییق آزادی شهروندان باعث عنایت علمای حقوق به برنامه‌های منسجم و نظامندی در خصوص جرم زدایی گردید. این روند تا آنجا پیش رفته که مقام تقنینی گاه با توجه به بستر فکری و فرهنگی حاکم و وجدان جمعی و هرچند خلاف فطرت پاک انسانی از برخی افعال از جمله عمل شنیع همجنس بازی اقدام به جرم زدایی می‌کند. در هر حال جرم زدایی به اعتبار زدودن انگ‌های مجرمانه از رفتارها بعنوان یکی از راههای خروج از بحران تورم قوانین کیفری مطرح شده است. که خواستار عقب نشینی حقوق کیفری در



جهت افزایش مداخله حقوق اداری، انضباطی، پزشکی و مدنی شده است. جرم‌زدایی از منظر حقوقی عبارت است از: عقب نشینی حقوق کیفری از رهگذر زائل کردن کامل وصف مجرمانه از جرم یا بیرون بردن از قلمرو قانون جزا و باقی گذاشتن آن در گستره اقتدار عمومی که مستلزم اعمال کنترل‌های غیر کیفری است. از اینرو، جرم‌زدایی یک فرآیند تغییر است که دست کم دو سوی دارد: سویه نخست نهاد عدالت کیفری است که بنا به دلایل موجهی به این نتیجه می‌رسد که یک رفتار نباید جرم باقی بماند؛ سویه دوم، نهادهای غیر کیفری و به ویژه اجرایی‌اند که پذیرنده نقش جدید در اعمال کنترل بر رفتارهای واگذار شده به شمار می‌آیند. جرم‌زدایی در محتوا نیازمند توجیهی معقول و قانع کننده است که بر دو پایه مهم استوار است:

- بی‌نیازی به اعمال کیفر
- امکان کنترل غیر کیفری.

به این اعتبار که جرم‌زدایی یک فرآیند تغییر است، در قالب یک برنامه عمل نیازمند مدیریت است تا هم عقب‌نشینی حقوق کیفری دست کم به حفظ وضع موجود منجر شود و هم با اقبال عموم و نهادهای پذیرنده روبه‌رو شود. به عبارت دیگر جرم‌زدایی به معنای اهتمام به سازوکار تعدیل عناوین مجرمانه و زدودن انگ‌های مجرمانه از یک رفتار است. چنین رویکردی با عنایت به تورم زدایی کیفری و کاهش عناوین مجرمانه و تعدیل تعداد جرایم در قانون کیفری مطرح شده است. چالش‌های عملی و نظری ناشی از تورم قوانین کیفری و روند فزاینده و رو به رشد جرایم در دنیای مدرن، تلاش کشورها را در شکل‌های مختلف جرم-زدایی و در راستای رفع معضل مطروحه باعث شده است. بی‌تردید نظام عدالت کیفری ایران با عنایت به موارد پیش‌گفته مستلزم هم‌نوایی با اندیشه جرم‌زدایی است که نخست بار به صورت گسترده به این سیاست جنایی در راستای کاهش جمعیت کیفری در قانون مجازات نیروهای مسلح - که در فصول آتی به آن اشارت می‌شود. - به کار برده است. تصویب بیش از ۳۰۰ قانون کیفری ماهوی، قطع نظر از مقررات شکلی فراوان از سوی مراجع متعدد متنوعی همچون

شورای انقلاب مجمع تشخیص مصلحت، آراء وحدت رویه، دیوان عالی کشور در مقام وحدت رویه - با پذیرش شأن تقنینی - به تورم قوانین کیفری در ایران دامن زده است. امروزه در جامعه ما تورم قوانین کیفری باعث کاهش کارایی کیفرها، تضعیف قدرت اخلاقی کیفری، جرم زایی بالقوه در پرتو فرایند برجسب زنی شده است. عدم توجه به توالی فاسد جرم‌انگاری و تکیه صرف بر توجیهاات نظری، کلامی و فلسفی در توسل و تمسک به سازوکار جرم‌انگاری بدون عنایت به وجدان جمعی، جایگاه و نقش حقوق کیفری را به چالش کشیده است. بنابراین ضروری است با توجه به اصالت آزادی و استثناء بودن سازوکار جرم‌انگاری و پیش‌روی در فضای آزاد رفتاری، به تضییق و تحدید منطقه الزام و کنترل دولت اهتمام ورزیم. «جاناناتان شنشک» فیلسوف حقوق کیفری، با تأسیس روش پالایش و غربالگری در فرایند تصمیم‌گیری راجع به جرم‌انگاری، روند ورود یک رفتار را به سیاهه قوانین کیفری عبور از سه مرحله یا فیلتر می‌داند:

الف) فیلتر اصول

بر اساس این فیلتر صلاحیت قضایی و یا اقتدار دولتی راجع به جرم‌انگاری نسبت به یک رفتار بر اساس یک‌سری اصول نظری باید ثابت شود. به دیگر سخن پیش شرط مداخله در حوزه آزادی‌های فردی شهروندان از طریق محدودیت یا ممنوعیت، اثبات مجاز بودن دولت بر اساس یک سری اصول نظری و میانی تئوریک است.

ب) فیلتر پیش فرض‌ها

فیلتر پیش فرض‌ها مقرر دارد با عبور رفتاری از صافی اصول، دولت مجاز به جرم‌انگاری آن رفتار نیست؛ بلکه باید به روش‌هایی که واجد کمترین میزان مزاحمت برای فرد است و کمتر جنبه آمرانه دارد متمسک شود و جرم‌انگاری کند. بدین سان آنگاه که بر رفتاری انگ

1-Jonathan schonsheck



مجرمانه زده شود که با دلایل مقتن و محکم ثابت شود جز مجازات راه حل دیگری برای جلوگیری از آن وجود ندارد.

ج) فیلتر کارکرها

در این فیلتر برابند مضار و منافع و تعاقب و توالی فاسد جرم انگاری مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در واقع سود و زیان اجتماعی جرم انگاری باتوجه به گستره زمانی و مکانی بررسی می‌گردد. (به نقل از: بوشهری: ۱۳۷۹، ۳۲) جان شنشک یک قدم به عقب برگشته و ورودهای رفتاری را به سیاهه قوانین محدود کرده است. علی ای حال جرم انگاری کمتر در این مقام، سیاهه قوانین و قطر بی‌رویه حجیم آنرا کاهش می‌دهد. لاوونس شرمین استاد دانشگاه مری لند آمریکا قایل است: اگرچه مجازات فی نفسه و لِنفسه مطلوب و لازم است اما اگر بیش از حد استفاده شود موجب تورم ضمانت اجرای کیفری و مآلاً موجب کاهش کارایی اعتبارات مجازات می‌شود. پس برای جلوگیری از تورم ضمانت اجرای کیفری باید از برخی پدیده ها و عناوین مجرمانه، جرم‌زدایی کرد. (شرمین: ۱۳۷۹، ۶۷)

دانستیم که منظور از جرم‌زدایی، فرایند سلب صلاحیت نظام کیفری برای اعمال ضمانت اجراها به عنوان واکنشی نسبت به شکل خاصی از یک رفتار مجرمانه خاص است. این پروسه توسط مقام تقنینی - جرم‌زدایی رسمی - گاه توسط مقام قضایی - جرم‌زدایی عملی - محقق می‌شود.

بند اول: جرم‌زدایی عملی

مقصود از جرم‌زدایی عملی، پدیده تدریجی کاهش فعالیت‌های سیستم عدالت کیفری در قبال برخی رفتارها یا بعضی اوضاع است؛ هر چند که رسماً و قانوناً در صلاحیت آن سیستم، تغییری حاصل نشده باشد. این فرآیند در هر دو سیستم تعقیب کیفری یعنی سیستم مناسب داشتن و سیستم قانون بودن واقع می‌شود این فرآیند در ارتباط با جرائم اصطلاحاً «بدون قربانی» واقع می‌شود یا نسبت به جرایمی که اساس آنها در اعتقادات سنتی قرار دارد، اما با تفکرات

مدرن در چالش بوده است، به ویژه در قبال جرائم اقتصادی خفیف و جرائم ناشی از نقض مقررات راهنمایی و رانندگی. (محمودی: ۱۳۸۵، ۱۱۵) جرم زدایی عملی به صور مختلف تحقق می‌یابد ابتدا با تغییرات در رفتار اشخاصی که مستقیماً ذی نفع هستند، تا به آنجا که از گزارش و افشای عمل مجرمانه به پلیس خودداری می‌کنند. دوم به علت احتیاط (مصلحت اندیشی) پلیس در عدم تعقیب بعضی پرونده‌ها یا ارجاع آنها به سایر سیستمهای اجتماعی است. بنابراین، مفهوم جرم زدایی عملی در سطح وسیعی، مفهوم انحراف از سیستم عدالت کیفری را شامل می‌شود (مهر: ۱۳۷۷، ۳۰۱) به عبارت دیگر مقصود از جرم‌زدایی عملی پدیده تدریجی کاهش فعالیت‌های نظام عدالت کیفری در قبال اشکال خاصی از رفتار یا وضعیت‌های ویژه است. اگرچه تغییری در صلاحیت قانونی و رسمی صورت پذیرفته باشد. در واقع جرم‌زدایی عملی عدول از فرایند اصلی رسیدگی است. (موسوی مجاب: بی تا، صص ۵ و ۶) جرم زدایی عملی در برابر افزایش میزان فزاینده‌ی جرم و پرونده‌ها مطرح گردید و نهادهای عدالت کیفری را محدود ساخت. این رویکرد از رهگذر خارج کردن تدریجی پرونده‌ها و شکایت‌ها از نظام عدالت کیفری یا کاستن از میزان جرم انگاری از رفتارهای خاصی با دریافتی جرم شناسانه ظهور و بروز کرد. این رویکرد یک رویه‌ی درون سیستمی و غیر رسمی است. اما نهایتاً به جرم‌زدایی رسمی منتج می‌شود و نتیجه بخش خواهد بود. این سازوکار جرم‌زدایی هر چند از مغرب زمین شروع شده است ولی شاهد یک رویکرد تضاد آمیزی در این زمینه در مغرب زمین هستیم، چرا که از یک طرف طبل جرم‌زدایی را به صدا در می‌آورد و از طرف دیگر با گسترش شبکه نظام عدالت کیفری و تمرکز بر روی دستگیری‌های مربوط به ارتکاب جنحه و جنایت و جرایم کم اهمیت با رویکردی به نظریه‌های تحمل صفر^۱ یا آستانه تحمل (به این معنا که در برابر هر کنشی، واکنشی شدید نشان داده نشود، تا جرایم مهار گردد) و پنجره‌های شکسته^۲ سعی در واکنش‌های شدید در جهت کنترل جرایم وخیم تر و سنگین تر هستند. (گارلند؛ مترجم: فرجیها، صص ۷۵۱-۷۴۹). (موراد پیشگفته در مورد جرم زدایی عملی در

¹- zero tolerance

²- broken windows



جهت ارائه هر چه بهتر و تبیین بیشتر جرم زدایی رسمی مطرح شده است؛ چرا که پایه جرم زدایی رسمی، جرم زدایی عملی است.

بند دوم: جرم زدایی رسمی (قانونی)

جرم زدایی ممکن است به وسیله قانونگذاری یا روشی که به موجب آن قوه قضائیه قانون آن را تفسیر می‌کند، انجام گیرد. جرم زدایی در مفهوم مضیق آن گاهی به جرم زدایی «رسمی» نیز توصیف شده است. اصطلاح اخیر را هنگامی به کار می‌بریم که می‌خواهیم جرم زدایی به مفهوم مضیق را با «جرم زدایی عملی» یا بالفعل مقایسه کنیم. (محمودی: ۱۳۸۵، ص ۱۱۵) جرم زدایی رسمی شکل قانون برداشتن انگ‌های مجرمانه از رفتارهایی است که پیشتر جرم تلقی می‌شد با توجه به اهداف جرم زدایی رسمی، جرم زدایی به سه دسته تقسیم بندی شده است:

- گاه جرم زدایی رسمی متوجه به رسمیت شناختن رفتاری است که پیشتر مغایر قانون تشخیص داده می‌شد. این رفتار یک متد و شیوه زندگی است. در این نوع جرم زدایی بخاطر کاهش حساسیت شهروندان نسبت به آن پدیده است.
- جرم زدایی در این نوع به لحاظ رشد و شکوفائی حقوق بشر، و موضع بی طرفانه دولت در ارتباط با اشکال خاصی از رفتار است.
- مرحله سوم جرم زدایی در رابطه کاهش حساسیت شهروندان و دولت نسبت به رفتارهای نامطلوبی است که پیشتر جرم انگاشته می‌شد. دولت با عدم اقدام نسبت به چنین رفتارهایی یا زدودن وصف مجرمانه از آنها نیز زمینه را برای رویکردهای جانسین از جمله رویارویی اطراف دعوا فراهم آورد.

دو نوع جرم زدایی رسمی از طرف دولت:

گاهی با تمرکز بر خود رفتار نامطلوب، سعی در خروج آن از سیاه‌ی قوانین کیفری و قرار دادن آن در نظام‌های دیگر دارد. گاه عنایت به نظام‌های اجتماعی دیگر که ماهیت حقوق



دارند، از قبیل حقوق اداری، مدنی و.. مورد عنایت مقنن است و گاه قرار دادن رفتار نامطلوب در نظامی با ماهیتی غیر حقوقی است، یعنی خروج قوانین از سیاهه‌ی قوانین کیفری، آن را در نظام‌هایی همچون بهداشت، آموزش و پرورش و رفاه که اساساً غیر حقوقی هستند قرار می‌دهد. رویکرد دوم بر مباشر رفتار نامطلوب تمرکز ندارد، بلکه به بررسی وضعیت نامطلوب می‌پردازد. این نوع روش در راستای کاهش کثرت و تکرار رفتارهای نامطلوب - جرم - می‌باشد. گاهی تغییرات در محیط فیزیکی محقق می‌شود. مثلاً با ایجاد تغییراتی در خیابانها و خودروها به کاهش شمار و شدت حوادث جاده ای اهتمام می‌ورزد. بنابراین جرم زدایی اعم از رسمی و غیر رسمی (عملی) می‌تواند نقش مهمی در پویایی نظام عدالت کیفری به اعتبار خروج از بحران تورم قوانین کیفری و توالی فاسد آن داشته باشد.

بخش سوم: جهت‌گیری های قانون مجازات نیروهای مسلح از حیث جرم زدایی

وقتی که قانونی در گذر زمان قرار بگیرد و در مسیر انتقاد و قضاوت واقع شود مشکلات و نقایص آن نمایان می‌گردد و وقتی در مقام اصلاح این قانون بر می‌آیم بدون شک این اصلاح و رفع نقص و جبران کمبودها با نوآوری و ایجاد تأسیسات حقوقی جدید و سیاست کیفری جدید همراه خواهد بود، قانون مجازات نیروهای مسلح سابق در گذر زمان اجرای یازده ساله‌ی خود نمی‌تواند خالی از این اوصاف باشد. دیدگاه نوین حاکم بر حقوق جزا پیرامون تجدید عناوین مجرمانه و روی آوردن به جرم‌زدایی است، مگر در خصوص مسایلی که مصلحت اقتضاء برخورد مناسب کیفری می‌نماید. در چند سال اخیر سیاست مبتنی بر جرم زدایی و تاکید بر پیشگیری از وقوع جرم از مهم ترین اهداف سیاست کیفری مجرمان دستگاه قضایی کشور بوده است. در قانون مجازات جرایم مسلح نیز این رویکرد که دغدغه‌ی مجریان سیاست کیفری بود است مشاهده می‌گردد. در قانون جدید قانون گذار با توجه به سیاست‌های کلی قضایی کشور و برنامه‌های توسعه‌ی قضایی قوه قضایه مبنی بر جرم‌زدایی از قوانین و کاهش عناوین مجرمانه در قوانین جزایی بسیاری از عناوین مجرمانه‌ی سابق را از شناسنامه‌ی کیفری



قوانین مجازات جرایم نیروهای مسلح حذف و یا تبدیل به تخلفات انضباطی نموده است که در این گفتار به بحث پیرامون آن می‌پردازیم:

بند اول: جرم زدایی از فرار از خدمت

در راستای پرهیز از جرم انگاری و ایجاد انگیزه‌ی مراجعت از فرار کارکنان و وظیفه در زمان صلح و توسعه‌ی اختیارات فرماندهان نیروهای مسلح در ماده‌ی ۶۰ قانون مصوب ۸۲ پیش‌بینی شده است که چنانکه کارکنان و وظیفه در زمان صلح برای اولین بار مرتکب فرار از خدمت شده و ظرف مدت ۶۰ روز از شروع غیبت مراجعه کنند. پرونده‌ی آنها به مراجع قضایی ارجاع نمی‌شود ولی در مقابل هر روز غیبت یا فرار، دو روز به خدمت دوره‌ی ضروری آنها افزوده می‌شود البته حداکثر اضافه خدمت سه ماه است. قانون‌گذار مفاد بالا را در ماده‌ی ۶۰ اینگونه مقرر می‌دارد: «کارکنان و وظیفه فراری در زمان صلح هرگاه شخصاً خود را معرفی و مشغول خدمت شوند به ترتیب زیر با آنان رفتار می‌شود:

« الف - چنانچه برای اولین بار مرتکب فرار از خدمت شده و ظرف مدت شصت روز از شروع غیبت مراجعت نمایند بدون ارجاع پرونده به مرجع قضائی در مقابل هر روز غیبت و فرار، دو روز به خدمت دوره ضرورت آنان افزوده می‌شود. این اضافه خدمت بیش از سه ماه نخواهد بود.

ب - چنانچه پس از مدت یاد شده در بند (الف) این ماده خود را معرفی کنند و یا سابقه فرار از خدمت داشته باشند به حکم دادگاه به حبس از دو تا شش ماه محکوم می‌گردند.

ج - چنانچه در زمان جنگ یا بسیج و فراخوان عمومی یا هنگامی که یگان مربوط در آماده‌باش رزمی باشد و ظرف حداکثر دو ماه از تاریخ شروع جنگ یا بسیج و فراخوان عمومی یا اعلام آماده‌باش رزمی خود را معرفی کنند از تعقیب و کیفر معاف خواهند بود. در صورتی که معرفی پس از مدت مذکور باشد یا در این مدت و یا پس از آن دستگیر شوند حکم فراری در زمان جنگ را خواهند داشت. »



در حالی که در قانون سابق (مصوب ۷۱) در ماده‌ی ۴۴ حکم مذکور این گونه مقرر شده بود: «اعضای غیر ثابت نیروهای مسلح اعم از وظیفه یا پیمانی و غیره هر گاه در زمان جنگ بیش از پنج روز متوالی بدون عذر موجه غیبت نموده و فراری محسوب و به حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌شوند و اگر فرار از جبهه باشد از زمان غیبت فراری محسوب و چنانچه فرار آنان موجب شکست جبهه یا وارد شدن تلفات جانی به نیروهای خودی شود در حکم محارب است و در غیر این صورت به حبس از دو تا ده سال محکوم می‌شوند» یعنی اگر سرباز فراری بعد از فرار هم مراجعت می‌کردند در زمان صلح به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم می‌شدند، بنابراین مقنن با دید بازتر و ملحوظ کردن سیاست کیفری انعطاف‌پذیری ضمن توجه به سیاست کیفری جرم‌زدایی انگیزه‌ی لازم را جهت مراجعت کارکنان وظیفه فراری به خدمت در آنان بوجود آورده تا نیروهای مسلح بتوانند از این افراد نیز استفاده نمایند

بند دوم: جرم زدایی از ایراد

در قانون سابق هر گاه فرد نظامی بر اثر بی احتیاطی یا عدم اجرای مقررات به اسلحه و مهمات و سایر اشیاء و اموال و لوازم نظامی متعلق به دولت یا آنچه که در اختیار دولت است خسارتی وارد می‌آورد یا موجب فقدان و یا از بین رفتن آنها می‌شد علاوه بر پرداخت خسارات به حبس از دو ماه تا دو سال محکوم می‌گردید و اگر عمل موجب افساد و اختلال در نظام یا شکست جبهه‌ی اسلام می‌گردید فرد محارب محسوب می‌گردید ماده‌ی ۶۵ قانون سابق ناظر به این موضوع بود. ولی در قانون مجازات مصوب ۱۳۸۲ مقنن با نگاه مساحمه‌آمیزتری با حذف وصف مجرمانه، موضوع را تابع مقررات آیین انضباطی دانسته است، ماده‌ی ۸۵ در این مورد مقرر داشته که فرد نظامی به علت اعمال و یا تفریط موجب نقص یا تضییع اموال و وسایل و وجوه متعلق به دولتی و یا در اختیار دولت که برحسب وظیفه به او سپرده اند، بشود اگر خسارت وارده کمتر از ده میلیون ریال باشد علاوه بر جبران خسارات با وی طبق آیین نامه‌ی انضباطی رفتار می‌شود. بنابراین در این مورد این قانون وصف مجرمانه را از ایجاد نقص و تضییع اموال مربوط به دولت زایل کرده و آن را تخلف انضباطی محسوب داشته است.





بند سوم: جرم زدایی از فرار از خدمت متخصصین

ماده‌ی ۵۶ قانون سابق مجازات جرایم نیروهای مسلح درباره‌ی فرار از خدمت متخصصین و افرادی بود که از بورسیه‌ی نیروهای مسلح جهت گذراندن دوره‌ی آموزش عالی پزشکی، مهندسی و... استفاده کرده‌اند مقرر می‌دارند: «متخصصان مجرب و افرادی که از بورسیه نیروهای مسلح جهت طی دوره آموزشی عالی پزشکی، مهندسی و غیره استفاده کرده‌اند هر گاه بدون عذر موجه مرتکب بیش از (۶) ماه فرار از خدمت گردند علاوه بر مجازات مندرج در این قانون به پرداخت هزینه‌های مربوط و محرومیت از اشتغال به آن حرفه در خارج از نیروهای مسلح به مدت (۵) تا (۱۰) سال محکوم خواهند شد و به هر صورت اخراج آنان از نیروهای مسلح منوط به حکم دادگاه و یا رأی کمیسیونهای مربوطه پیش‌بینی شده در قوانین نیروهای مسلح می‌باشد» بر اساس ماده‌ی مزبور افراد فوق در صورتی که مرتکب فرار زائد بر شش ماه گردند، علاوه بر مجازات مندرج در این قانون به پرداخت هزینه‌های مربوط و محرومیت از اشتغال به آن حرفه در خارج از نیروهای مسلح به مدت پنج یا ده سال محکوم می‌شدند و اخراج آنها منوط به حکم دادگاه یا رای کمیسیونهای مربوطه نیروهای مسلح است. با توجه به اینکه بعضی از مجازات‌های فوق از نظر عملی قابل اجرا نبوده است و از طرفی دیگر مفاد مهم ماده‌ی مذکور عدم اخراج متخصصین با فرار بیش از شش ماه می‌باشد که این یک موضوع استخدامی است و جایگاه آن در قوانین استخدامی نیروهای مسلح است، کما اینکه اصل اخراج افراد نظامی یا فرار زاید بر شش ماه در تبصره‌ی ماده‌ی ۹۶ قانون ارتش و مواد مشابه در قوانین استخدامی سپاه و نیروی انتظامی آمده است و با توجه به این که این موضوع در قانون جامع استخدامی بررسی شده است، لذا قانون جدید مجازات نیروهای مسلح متعرض این موضوع نشده است.

بند چهارم: جرم زدایی از افشای اسناد و مذاکرات توسط سایر اشخاص

در قانون سابق در تبصره‌ی ۳ ماده‌ی ۱۳ اطلاع سایر اشخاص (غیر نظامی) از اسناد و یا مذاکرات و تصمیمات طبقه‌بندی شده و علی‌رغم علم به ممنوعیت افشاء آن را افشاء نماید جرم تلقی

شده و مرتکب حسب مورد به مجازات مندرج در بندهای ۱۳ محکوم می‌شود. ماده ۱۳ اینگونه مقرر می‌داشت: «هر نظامی که اسناد یا تصمیمات طبقه‌بندی شده را در اختیار کسانی که صلاحیت اطلاع نسبت به آن را ندارند، قرار دهد یا به هر نحو آنان را از مفاد آن مطلع سازد به ترتیب ذیل محکوم می‌شود:

• هر گاه سند یا مذاکرات یا تصمیمات عنوان به کلی سری داشته باشد به حبس از سه تا پانزده سال .

• هر گاه سند یا مذاکرات یا تصمیمات عنوان سری داشته باشد به حبس از دو تا ده سال .

• هر گاه سند یا مذاکرات یا تصمیمات عنوان خیلی محرمانه داشته باشد از سه ماه تا یک سال .

حال آنکه قانون جدید در ماده‌ی ۲۶ برای سایر اشخاص مجازاتی تعیین ننموده و قانون گذار متعرض این موضوع نگردیده است. که ذیلا این ماده را از نظر می گذرانیم:

«هر نظامی که اسناد و مدارک، مذاکرات، تصمیمات یا اطلاعات طبقه‌بندی شده را در اختیار افرادی که صلاحیت اطلاع نسبت به آنها را ندارند، قرار دهد یا به هر نحو آنان را از مفاد آن مطلع سازد به ترتیب ذیل محکوم می‌شود:

• هر گاه اسناد، مذاکرات، تصمیمات یا اطلاعات، عنوان به کلی سری داشته‌باشد به حبس از سه تا پانزده سال.

• هر گاه اسناد، مذاکرات، تصمیمات یا اطلاعات، عنوان سری داشته باشد به حبس از دو تا ده سال.

• هر گاه اسناد، مذاکرات، تصمیمات یا اطلاعات، عنوان خیلی محرمانه داشته‌باشد به حبس از سه ماه تا یک سال. «



بند پنجم: جرم زدایی از برخی صور لغو دستور

یکی از مسایلی که سالها دارای ابهام بوده و مشکلاتی را برای قضات و فرماندهان و مدیران قضایی نیروهای مسلح ایجاد نموده بود، موضوع جرم و تخلف و تشخیص این دو از هم بود است، آنچه که مسلم است اینکه:

الف: تعدادی از جرایم ارتكابی توسط نظامیان در محیط های نظامی و حین خدمت فقط خصیصه‌ی تخلف انضباطی دارند. این اعمال قابل تنبیه انضباطی می‌باشند و با توجه به اینکه صرفاً تخلف انضباطی هستند قابل مجازات نمی‌باشند

ب: تعدادی دیگر از اعمال ارتكابی که ارتباطی با امور خدمتی ندارند و با انضباط شئون نظامی نیروهای مسلح ارتباطی ندارند، فقط قابل مجازات می‌باشند مشروط بر اینکه در قانون برای آنها مجازات تعیین شده باشد.

ج: البته ممکن است بعضی از اعمال، واجد هر دو خصیصه باشند، مثلاً در قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۷۲/۹/۷ مجلس شورای اسلامی در مورد کارکنان دولت بعضی از اعمال ارتكابی کارکنان دولت همچنان جرم تلقی شده است و هم تخلف انضباطی؛ در ماده‌ی ۸ این قانون اعمالی به عنوان تخلف اداری محسوب شده است که در قوانین جزایی جرم تلقی شده و برای آن مجازات تعیین شده، مانند ایراد تهمت و افتراء، اخاذی، اختلاس، افشای اسرار و اسناد محرمانه‌ی اداری، گرفتن وجوهی غیر از آنچه در قوانین و مقررات معین شده است یا اخذ هر گونه مالی که در عرف رشوه تلقی می‌شود. اختفاء، نگهداری، حمل، توزیع و خرید و فروش مواد مخدر، استعمال یا اعتیاد به مواد مخدر و موارد دیگر. آنچه مهم است اینکه عمل ارتكابی با کدامیک از این سه قسم منطبق است؟ ماده‌ی ۲۳ قانون سابق مجازات جرایم مسلح در مورد لغو دستور بیان کرده است: «تخلف از قوانین و مقررات نظامی و انتظامی، لغو دستور محسوب می‌شود و چنانچه در قانون، مجازات خاصی برای آن در نظر گرفته نشده باشد مرتکب به حبس از دو ماه تا دو سال محکوم می‌گردد.» در تبصره‌ی این ماده آمده است که تخلفات انضباطی موضوع آیین‌نامه‌ی انضباطی از شمول این ماده مستثنی می‌باشد. این تبصره از



جهت تفکیک جرم از تخلف نه تنها مشکلی را حل نکرد بلکه بر مشکلات افزود چرا که بسیاری از جرایم نظامی و انتظامی در آیین نامه‌ی انضباطی نیز به عنوان تخلف انضباطی محسوب شده است. ارتکاب اعمالی از قبیل لغو دستور ممکن است جرم باشد و یا ممکن است صرفاً تخلف انضباطی تلقی شود، ارتکاب عمل مزبور در صورتی که در مقابل دشمن باشد و یا در زمان جنگ یا مربوط به امور جنگی باشد از جرایم محسوب می‌شود و مجازات‌های مهمی برای آنها پیش بینی شده است. قانون‌گذار مواردی را که لغو دستور جرم محسوب می‌گردد را در دو ماده‌ی ۳۸ و ۳۷ احصاء نموده است:

ماده ۳۸: هر نظامی در غیر موارد مذکور در ماده (۳۷) این قانون دستوری را لغو نماید به استثناء مواردی که صرفاً تخلف انضباطی محسوب می‌گردد به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم می‌شود.

ماده ۳۷: هر نظامی که اوامر فرماندهان یا روسای مربوط را لغو نماید به ترتیب زیر محکوم می‌شود:

- هرگاه از امر حرکت به طرف دشمن یا محاربان و مفسدان امتناع ورزد، چنانچه حاکی از همکاری با دشمن باشد و یا موجب اخلال در نظام (بهم خوردن امنیت کشور) و یا شکست جبهه اسلام گردد به مجازات محارب و در غیر اینصورت به حبس از سه تا پانزده سال.
- اگر مخالفت با اوامر در ناحیه ای است که در آن حالت جنگی یا محدودیتهای ضروری اعلام شده و آن مخالفت مربوط به امور جنگی یا مقررات حالت محدودیتهای ضروری باشد، در صورتیکه عمل او موجب اخلال در نظام (بهم خوردن امنیت کشور) و یا شکست جبهه اسلام باشد به مجازات محارب والا به حبس از دو تا ده سال.



در موارد مربوط به لغو دستور فوق که صرفاً تخلف انضباطی محسوب می‌شود و از دایره‌ی جرایم و مجازات‌ها استثنا شده است (در حقیقت کیفرزدایی شده) که تعیین مصادیق آن مطابق ماده‌ی ۱۳۰ قانون مجازات نیروهای مسلح به عهده‌ی آیین‌نامه‌ی گذاشته شده است که ظرف مدت ۳ ماه پس از تصویب قانون توسط ستاد کل نیروهای مسلح تهیه و به تصویب فرمانده‌ی کل قوا می‌رسد. که این آیین‌نامه اجرایی مواد ۱۳۰ و ۶۰ قانون مجازات. ن. م دستورالعمل مواد مزبور در تاریخ‌های ۱۳۸۳/۸/۴ و ۱۳۸۳/۵/۲۸ به ترتیب به تصویب مقام معظم رهبری و فرمانده‌ی کل قوا و رئیس ستاد کل ن. م رسیده است، و در روزنامه‌ی رسمی منتشر گردید. به عبارات دیگر در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، در مورد تعدادی از اعمال ارتكابی توسط نظامیان موضوع به گونه‌ی پیش‌بینی شده است تا با تعیین مصادیق تخلفات انضباطی که صرفاً تخلف انضباطی محسوب می‌شوند بتواند تا حدودی مشکل را بر طرف نماید. این موارد در ماده‌ی ۱ آیین‌نامه‌ی اجرایی ماده ۱۳۰ قانون مجازات نیروهای مسلح احصاء گردیده است:

ماده ۱: لغو دستور در موارد ذیل صرفاً تخلف انضباطی محسوب می‌شود:

- عدم اجرای دستورات اداری (مواردی که موجب اخلال در یگان یا انجام ماموریت‌های محوله به یگان یا سایر نیروهای مسلح گردد در مرجع قضائی رسیدگی می‌شود.)
- عدم حضور در صبحگاه و تجمعی‌های اداری.
- عدم آراستگی ظاهری و عدم استفاده مناسب از البسه و نشانهای نظامی.
- عدم توجه به نظافت شخصی و جمعی.
- عدم اجرای دستورهای مربوط به امور آموزشی (لغو دستور در مورد انجام آموزشهای مربوط به امور جنگی و رزمایشهای مصوب تا سطح نیرو و بالاتر در مراجع قضائی رسیدگی می‌شود.)
- عدم رعایت آئین‌نامه‌ها، دستورالعملها و بخشنامه‌های اداری.

• سستی و سهل انگاری در انجام وظیفه و اجرای دستورات در زمینه های اداری و تدارکاتی.

• عدم رعایت احترامات و شئون نظامی.

• امتناع از اجرای دستورات مربوط به تنبیهات انضباطی مانند دستور معرفی به بازداشتگاه و.....

• عدم مراجعه به آزمایشگاه های پزشکی جهت انجام آزمایشهای مربوط به تشخیص بیماریهای عفونی، واگیردار، موادمخدر و.....

• خروج غیرمجاز از پادگان یا یگان محل خدمت.

• عدم اجرای دستور مربوط به آماده باش در غیر از وضعیتهای اضطراری و جنگی.

مفنی با احصاء این موارد ۱۲ گانه در حقیقت از برخی از آنها که سابق جرم محسوب می - گردید کیفرزدایی کرده است و آنها را از وضعیت کیفری داشتن خارج نموده است.

بخش چهارم: یافته های پژوهش

در رابطه با مفهوم و ماهیت جرم زدایی این نتیجه به دست آمد که: جرم زدایی از منظر حقوقی عبارت است از عقب نشینی حقوق کیفری از رهگذر زائل کردن کامل وصف مجرمانه از جرم یا بیرون بردن از قلمرو قانون جزا و باقی گذاشتن آن در گستره ی اقتدار عمومی که مستلزم اعمال کنترل های غیر کیفری است. و گفته آمد که جرم زدایی از سیاست های کیفری مکاتب حقوقی جدید در راستای کاهش جمعیت کیفری می باشند که در مقاله به دنبال نشان دادن این سیاست در مواد قانون مجازات نیروهای مسلح در سال ۱۳۸۲ بوده ایم. سیاست مبتنی بر جرم زدایی و تاکید بر پیشگیری از وقوع جرم از مهم ترین اهداف سیاست کیفری مجریان دستگاه قضایی کشور بوده است. در قانون مجازات جرایم مسلح نیز این رویکرد که دغدغه ی مجریان سیاست کیفری بود است مشاهده می گردد.



منابع و مأخذ

- پرادل- ژان(۱۳۸۸)، «تاریخ اندیشه های کیفری»، ترجمه علی حسین نجفی ابرنآبادی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- بوشهری، جعفر(۱۳۷۹)، حقوق جزا، اصول و مسایل، چ ۱، تهران: شرکت سهامی
- تقریرات در تجلیل از محمد آشوری(بی‌تا)، مقاله پاسخ های انضباطی مدرنیزم کیفری، دیوید گارلند، ترجمه دکتر محمد فرجیها،
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر(۱۳۷۲)، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش
- گروهی از نویسندگان شورای اروپا(۱۳۸۴)، «گزارش جرم زدایی اروپا»، ترجمه واحد ترجمه مرکز مطالعات توسعه قضایی، چاپ اول، تهران، انتشارات سلسیل.
- گسن- ریموند(۱۳۷۰)، «جرم شناسی کاربردی»، ترجمه مهدی کی نیا، چاپ اول، تهران، انتشارات علامه طباطبائی
- نجفی ایرند آبادی، علی حسین، بیگی، هاشم(۱۳۸۰)، دانشنامه جرم شناسی، انتشارات دانشگاه تهران،
- وایت (راب) هینس (فیونا)(۱۳۸۱)، درآمدی بر جرم و جرم شناسی، ترجمه روح‌الله صدیق بطحایی اصل، تهران، نشر دادگستر، چ اول،
- رضوی، محمد(۱۳۸۴)، جرایم و مجازات های نیروهای مسلح به انضمام کاربرد قانونی سلاح، انتشارات هستی نما



- موسوی مجاب، سید درید (۱۳۸۶)، متون حقوقی (جزوه درسی) دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، مقطع کارشناسی ارشد (گزارش جرم زدایی اروپا)
- مالمیر، محمود (۱۳۸۶)، شرح قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، نشر دادگستر، چاپ دوم
- بابایی، محمدعلی؛ غلامی، میثم؛ هاشمی دمنه، فاطمه السادات (۱۳۹۳)، ارزیابی سیاست جرم زدایی قانون برنامه‌ی پنجم توسعه در قانون مجازات اسلامی، آموزه‌های حقوق کیفری، پاییز زمستان، شماره ۸
- بابایی، محمدعلی؛ غلامی، میثم (۱۳۹۱)، مهمترین جلوه‌های کیفرزدایی در قانون مجازات اسلامی، پژوهش نامه اندیشه‌های حقوقی، سال اول، شماره سه
- اسماعیل تبار، هادی؛ علیپور، عادل (۱۳۹۳)، جرم‌زدایی از جرایم ولگردی و تکدی‌گری، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۷
- شرمین، لارونس (۱۳۷۹)، جرم‌شناسی و جرم‌انگاری، چالش علم ضمانت اجرای کیفری، ترجمه روح‌الدین کردعلیوند، مجله حقوق قضایی دادگستری، ش ۳۳
- مهرا، نسرين (۱۳۷۷)، «درآمدی بر جرم زدایی، کیفرزدایی و قضازدایی»، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۲ و ۲۱
- محمودی، جواد (بی‌تا)، قضازدایی و جرم زدایی از منظر قانون اساسی، مجله تحقیقات شهید بهشتی، شماره ۱۸





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی